

لذت بہت زدگی

در شعر

محمد علی بہمنی

دکتر بہروز ثروتیان

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: ثروتیان، بهروز، ۱۳۱۶ - ۱۳۹۱
عنوان و نام پدیدآور: لذت بهت زدگی در شعر محمد علی بهمنی. / بهروز ثروتیان
شناسه افزوده: بهمنی، محمدعلی - ۱۳۲۱
مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: [۱۹۲]ص.
شابک: 5_260_304_600_978
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی قرن ۱۴.
رده بندی کنگره: ۸۳۱۳۹۴ ی ۷۵ هـ / PIR ۷۹۸۰
رده بندی دیویی: ۸۰۴۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۰۲۵۴۰



فصل پنجم
ناشر تخصصی شعر

لذت بهت زدگی در شعر محمد علی بهمنی بهروز ثروتیان

ناشر: فصل پنجم
چاپ اول - پاییز ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
ویراستار: علیرضا قوجهزاده
طراح جلد: مریم حائری
عکس روی جلد: مسعود ذاکری
صفحه آرا: محسن بیگی
شابک: ۵-۲۶۰-۳۰۴-۶۰۰-۹۷۸
حق چاپ برای ناشر محفوظ است.
صندوق پستی ناشر: ۱۴۶۶۵/۱۵۹۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram: fasle5

فهرست

فصل اول

- (۱) پایان سخن در آغاز دفتر / ۱۱
- (۲) غزل چیست / ۲۶
- (۳) لذت بهت زدگی در شعر محمد علی بهمنی / ۳۱

فصل دوم

- کتاب و سخن علی رضا قزو / ۳۹
- (۱) زندگی محمد علی بهمنی / ۴۰
- (۲) مصاحبه با سید عباس سجادی / ۴۸
- شعری از سجادی / ۵۴

فصل سوم

- نقدها و نظرهای اهل ادب / ۵۹
- در کتاب «کسی هنوز عیار تو را نسنجیده است»

فصل چهارم

باغ شعر محمد علی بهمنی / ۷۷

- (۱) عرصه خالی ست چنان شامگه بعد از کوچ / ۷۹
- (۲) در من عزلی اینک دنبال تو می گردد / ۸۰
- (۳) آن بهاری باغ ها و این بیابانی زمستان / ۸۷
- (۴) کمال دار برای من کمال پرست / ۹۱
- (۵) باز این که بود گفت: انا الحق که هر درخت / ۹۲
- (۶) من در سکوت نیز صدا را شناختم / ۹۶
- (۷) هم قفس صبور من! حوصله پر ریخت تو را / ۹۸
- (۸) کرده ام یک کشتزار پنبه را در گوش چشم / ۹۸
- (۹) این سفر همراه تاریخ به جامی ماند / ۱۰۰
- (۱۰) هی مترسک! کلاه را بردار / ۱۰۰
- (۱۱) زخمی که حيله بر جگر اعتماد زد / ۱۰۰
- (۱۲) حرفی که بهار با خزان گفت / ۱۰۲
- (۱۳) این شرمساری گل یا شرمساری من / ۱۰۲
- (۱۴) شهر ویران شده ام، بیهده این خاک مکاو! / ۱۰۳
- (۱۵) آینه در تکرار پاسخ های خود حاشا نمی داند / ۱۰۴

- (۱۶) او سر سپرده می‌خواست من دل سپرده بودم / ۱۰۴
- (۱۷) هر بار غزمی داشتم چیزی مرا از کار وامی‌داشت / ۱۰۶
- (۱۸) من آن سَرم که به پیرانه، هوایِ تویه شکن دارم / ۱۰۷
- (۱۹) تنها به خواب می‌شد از او باج جان می‌گرفت / ۱۰۸
- (۲۰) اما من آن مورم که همواره به دنبال رسیدن بود / ۱۰۹
- (۲۱) حیف انسانم و می‌دانم تا همیشه تنها هستم / ۱۱۱
- (۲۲) من فلسفه‌ای دارم یا خالی و یا لبریز / ۱۱۴
- (۲۳) آن شعله‌ی خرد اینک فواره‌ی آتش‌هاست / ۱۱۵
- (۲۴) نیستی شاعر که تا معنای حافظ را بدانی / ۱۱۷
- (۲۵) چرا خون به گهواره ماسیده است؟ / ۱۱۸
- (۲۶) طرح زمینی بزنم دوست را / ۱۲۰
- (۲۷) به خواب می‌زنم این چشم‌های حادثه‌جو را / ۱۲۲
- (۲۸) من ناخلفی با پدر خویش نکردم / ۱۲۴
- (۲۹) شب که آرام‌تر از پلک تو را می‌بندم / ۱۲۶
- (۳۰) من قصد نفی بازی گل را و باران را ندارم / ۱۲۷
- (۳۱) دلم برای خودم تنگ می‌شود / ۱۲۹
- (۳۲) یک مرغ دیگر کم شد از این فوج بی‌پرواز و آواز / ۱۳۰
- (۳۳) این چهره‌ی بی‌نقاب یعنی من / ۱۳۳

- (۳۴) امشب ز پشت ابرها بیرون نیامد ماه / ۱۳۵
- (۳۵) آرامشی دوباره مرا رنج می دهد / ۱۳۶
- (۳۶) این سیب که ناچیده به دامن تو افتاد / ۱۳۷
- (۳۷) تو آن شعری که من جایی نمی خوانم / ۱۳۸
- (۳۸) یخ کرده ام - یخ کردنی در تب / ۱۳۹
- (۳۹) نشستم به بامی که بامی - ش نیست / ۱۴۰
- (۴۰) منی که هر یخ من رشته ای ز فریاد است / ۱۴۱
- (۴۱) تو را چون آرزوهایم همیشه دوست خواهم داشت / ۱۴۲
- (۴۲) کجا دنبال مفهومی برای عشق می گردی؟ / ۱۴۴
- (۴۳) دره ام پای گرفته ست که دیگر بنشینم / ۱۴۵
- (۴۴) تو را به شعر زمینی چگونه بشانم / ۱۴۷
- (۴۵) چه رفته است بر این واژه ها نمی دانم / ۱۴۹
- (۴۶) تادل به چنین شب نرنی نیست سحر، نیست / ۱۵۱
- (۴۷) یک بار دیگر ای عشق! مشت مرا گره کن / ۱۵۲
- (۴۸) از هر طرف نرفته به بن بست می رسم / ۱۵۳
- (۴۹) دستم همیشه دشمن من بوده است / ۱۵۴
- (۵۰) در آتش تو زاده شد ققنوس شعر من / ۱۵۶
- (۵۱) تو دور آخری هم مستی و هم راستی داری / ۱۵۸
- (۵۲) معیار عاشقی چیست؟ / ۱۵۸

- (۵۳) این روزگار - این اشتهای مار بر شانه / ۱۵۹
- (۵۴) زین پس تو پایتخت جهان منی بدان / ۱۶۶
- (۵۵) عاشقی نقلی استمراری ست / ۱۶۷
- (۵۶) خوشا هر آن چه که تو، باغ باغ می خواهی / ۱۷۰
- (۵۷) پُر نقش تر از فرش دلم بافته ای نیست / ۱۷۲
- (۵۸) آینه در جواب من باز سکوت می کند / ۱۷۳
- (۵۹) برای پُر زدن از تو خوشا مرام عقابان / ۱۷۴
- (۶۰) به دست آوردم و از دست دادم، پوچ یعنی این / ۱۷۶
- (۶۱) او غمی دارد که غیر از خنده درمانی ندارد / ۱۷۷
- (۶۲) مرا با برکه ام بگذار دریا ارمغان تو / ۱۷۸
- (۶۳) کی در کدام اوج به من بال می دهی / ۱۷۹
- (۶۴) می گوید: از من سیر خواهی شد، زیانش لال / ۱۸۰
- (۶۵) بی تو همیشه کوه مرا تشنه می کند / ۱۸۰
- (۶۶) غزلی چون خود شما زیبا / ۱۸۱
- (۶۷) آمده ام با عطش سال ها / ۱۸۲
- (۶۸) باز در جمع تازهی اضداد / ۱۸۴
- (۶۹) خون هر آن غزل که نگفتم به پای توست / ۱۸۵
- (۷۰) دریا و من چه قدر شبیهیم / ۱۸۶
- (۷۱) این غزل ها همه جان پاره ی دنیای من اند / ۱۸۷